



تاریخ
۱۴
اسفند
۱۳۹۶
دوشنبه

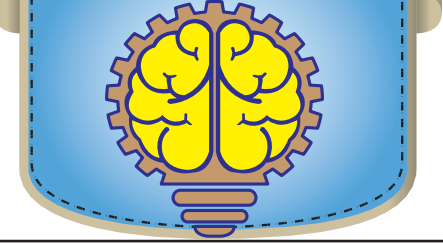
ضرب‌المثل‌های جهان

به کسی که کار کرده است پاداشی بده تا تنبل‌ها سوءاستفاده نکنند.

استرالیایی

صفحه
۵
شماره
۲۱۹۱
سال
بیست و سوم

اندیشه



نقش نظام آموزشی و پرورش و معلمان، در آموزش شهروندی

نویسنده: احسان کشت‌ورز کندازی، کارشناس آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان شیراز

هستند و حقوق و تکالیف یکسان و برابری دارند. باید دانست که شهروندی با‌احساس مسئولیت همراه است. حس شهروندی در عمیق‌ترین معنای خود دارای دو جنبه‌ی مهم است:

الف- جنبه‌ی مهمی از مسئولیت شهروندی داشتن شرافت کاری است که بدو آن مدنیت پیشرفته‌ای حاصل نمی‌شود.

ب- مسئولیت مدنی درجایی امکان بروز می‌یابد که جامعه مدنی به معنای واقعی مستقرشده باشد، اما جامعه مدنی نمی‌تواند بدون تلاش شهروندان برخوردار از حس مسئولیت قوی برپا گردد (نیکفر، ۱۳۷۸).

ضرورت تربیت شهروندی در عصر جهانی شدن

جهانی شدن موجب انتقال بسیار سریع و گسترده و سبک زندگی مدرن در تمام حوزه‌های زندگی و حتی باعث تغییر در ارزش‌ها و هویت و روابط انسانی و عواطف انسان در تمام جهان شده است (استیگلس، ۱۳۸۲، ادواردز و آشر، ۲۰۰۰، بن ونیسته،۱۹۹۹). بررسی دقیق و شناخت علمی چالش عظیم جهانی شدن و پدیده خروشانی که با ارزش‌های فرهنگی و سرنوشت و هویت ملی و با حیات روزمره تعلیم و تربیت و حتی بازندگی فردی و خانوادگی ما عمیقاً مرتبط شده، ضرورتی انکارناپذیر است (لطف‌آبادی، ۱۳۷۸).

امروزه با توجه به پیچیدگی عصر جهانی شدن، آموزش و پرورش ایران اگر بخواهد هدایت ملی و نظام ارزشی و مهارت‌های شهروندی کودکان و نوجوانان تحکیم و اعتلا بخشد، باید آنان را برای زندگی در عصر جهانی شدن در قرن بیست‌ویکم، آماده کند. چراکه جهانی‌شدن نه‌فقط بر اقتصاد و سیاست و مناسبات اجتماعی، بلکه بر فرهنگ‌ها و نظام‌های آموزشی و هویت مردمان نیز تأثیر می‌گذارد. به همین دلیل، برنامه‌ریزی تمرینش و نوآوری در آموزش و پرورش زمانم نمی‌تواند توجه دقیق و عمیق به تأثیرات جهانی شدن در تعلیم و تربیت کشورها و ملت‌ها صورت گیرد. فرآیند جهانی‌شدن خصوصیات ویژه‌ای را برای شهروندی قرن بیست‌ویک می‌طلبد که می‌توان آن‌ها را در سه قالب کلی و بدین‌صورت برشمرد: دانش، مهارت و نگرش جهانی اندیشیدن و عمل کردن؛ دانش مهارت و نگرش دموکراتیک؛ توانایی در کاربرد فناوری اطلاعات.

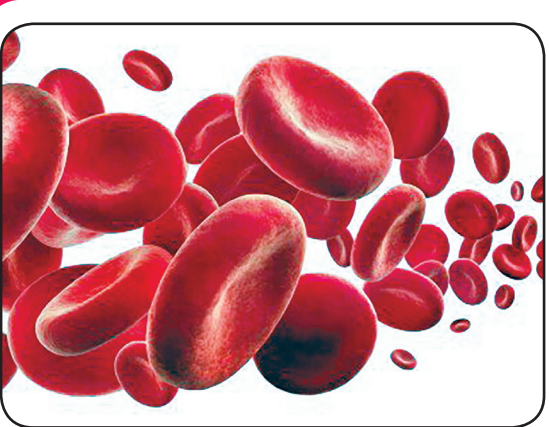
نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین ارکان برای پایداری و نظم هر جامعه‌ای آموزش شهروندان آن جامعه است. آموزش رفتارهای شهروندی در افزایش کیفیت عملکرد سازمان‌های مدنی بسیار اثرگذار است، این آموزه‌ها به تقویت اخلاق اجتماعی و بسط همبستگی اجتماعی یک جامعه در سطح «محلی- ملی و جهانی» کمک خواهد کرد. چنین اشاعه‌ای در ابعاد نوع‌دوستی و پذیرش عمومی از اهمیت زیادی برخوردار است. درواقع دولت و نهادهای قانون‌گذار، سازمان‌های ملی و محلی، تشکیل‌دهی می‌... از طریق آموزش حقوق شهروندی و مهارت‌های زندگی جمعی و شناخت اصول مدیریت شهری نقش بارزی در تربیت شهروندان خواهند داشت. آموزش حقوق شهروندی به دو صورت رسمی و غیررسمی صورت می‌گیرد آموزش غیررسمی که در داخل خانواده، دوستان و همسالان که به هر نحوی افراد در قالب آن‌ها با یکدیگر ارتباط دارند، صورت می‌گیرد و آموزش رسمی که توسط نهاد متولی آموزش هر کشور یعنی وزارت خانه آموزش و پرورش به‌طور رسمی و از طریق گنجاندن مفاهیم و حقوق شهروندی در قالب سرفصل درسی مجزا از همان مقطع ابتدایی شروع می‌شود و حقوق شهروندی را به شهروندان آن کشور که در آینده هر کدام عضوی از آن جامعه شده و مسئولیتی را در داخل جامعه بر عهده خواهند گرفت می‌آموزد تا هر کدام از این افراد در آینده به شهروندی فعال و آگاه و مسئولیت‌پذیر تبدیل شوند؛ اما آنچه مستلزم توجه بیشتر نهاده‌ها است، درک این موضوع است که ارائه حقوق شهروندی در قالب برنامه‌های درسی آشکار و پنهان به‌تنهایی کافی نیست، بلکه برای آموزش شهروندان و کودکان به‌عنوان عضوی از اعضای جامعه کشور افراد مورندیز هستند که بتوانند این برنامه‌های درسی را به صورتی مناسب اجرا کرده و مسئولیت‌های یک شهروند موفق و مفید را به دانش‌آموزان انتقال دهند. به عبارتی معلمان باید تربیت شوند تا بتوانند پل ارتباطی مناسبی بین اهداف آموزشی و دانش‌آموزان برقرار کنند و وظایف شهروندی را به کودکان و اعضای جامعه بیاموزند و به دانش‌آموزان کمک کنند تا شهروندانی مسئول، مشارکت‌کنندگانی فعال در امور زندگی اجتماعی و فرهنگی، یادگیرندگانی موفق و علاقه‌مند و افرادی متکی‌به‌خود و قابل‌اعتماد بار آیند. افرادی که نه‌تنها ارزش‌ها و ویژگی‌های موردسپایش جامعه را دارا باشند، بلکه بتوانند در راستای بهسازی و ارتقای فرهنگ جامعه تلاش مؤثری را به نمایش گذارند.

کم‌خونی (آنمی)

دکتر لادن هاشمی

دکتر محمدباقر بهاری مقدم



و جفت و سایر بافت‌ها به آهن بیشتری نیاز دارند.

منابع غذایی آهن‌دار:

منابع غذایی آهن‌دار عبارت‌اند از جگر، قلوه، گوشت قرمز، ماهی، زرده تخم‌مرغ، سبزی‌های دارای برگ سبز تیره مانند جعفری، اسفناج و حبوبات، مثل عدس و لوبیا همچنین میوه‌های خشک (برگه‌ها) به‌خصوص برگ زردآلو و دانه‌های روغنی.

۶/۲۲۰۴

آموزش مهم‌ترین رکن برنامه‌ریزی جامعه و شهروندان آن کلیدی‌ترین عنصر در توسعه آن جامعه هستند که باید از فرهنگ، آگاهی و مهارت‌های گوناگون برخوردار باشند. آموزش رفتارهای شهروندی درافزایش کیفیت عملکرد سازمان‌های مدنی بسیار اثرگذار است. این آموزه‌ها به تقویت اخلاق اجتماعی و بسط همبستگی اجتماعی یک جامعه در سطح محلی، ملی و جهانی کمک خواهد کرد. چنین اشاعه‌ای در ابعاد نوع‌دوستی و پذیرش عمومی از اهمیت زیادی برخوردار است. در این راستا مفهوم شهروندی، آموزش شهروندی، ضرورت و اهمیت آن، راهکارهای آموزش شهروندی، به‌علاوه نقشی که نظام آموزشی و معلمان در انتقال این دانش بر عهده‌دارند، موردبررسی قرار گرفت. روش پژوهش، توصیفی از نوع مروری است که به شیوه کتابخانه‌ای و با استفاده از منابع پیشین انجام‌شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، معلمان به‌عنوان عناصر آموزشی که مسئولیت تربیت و آماده‌سازی نسل آینده را در بدنه جامعه بر عهده‌دارند، باید به دانش‌آموزان کمک کنند تا مشارکت‌کنندگانی فعال در امور زندگی اجتماعی و فرهنگی، یادگیرندگانی موفق و علاقه‌مند و افرادی متکی‌به‌خود و قابل‌اعتماد بار آیند؛ افرادی که تلاش مؤثرتری را به نمایش گذارند.

مقدمه

امروزه یک از انتظاراتی که از آموزش و پرورش وجود دارد این است که به فرزندان کمک کند تا لذت پرسیدن و تحلیل و اکتشاف را تجربه کنند، یاد بگیرند که چگونه بیاموزند، توانایی طرح مسئله و حل مسئله به دست بیاورند، قدرت تخیل و طراحی و ساخت و به‌کارگیری پیدا بکنند، تفکر انتقادی و خود تاملی در آن‌ها شکوفا بشود، با مهارت‌های زندگی و باکیفیت زندگی آشنا بشوند، برقراری ارتباط با دیگران و کار کردن با آن‌ها را بیاموزند. حس بشردوستی، صلح، برابری، عدالت‌خواهی، احترام به دیگری، رعایت حقوق و آزادی‌های دیگران، عدم خشونت و دل‌بستگی به محیط‌زیست در آن‌ها شعله‌ور بشود، یاد بگیرند که باهم و به‌رغم بسیاری تفاوت‌ها زندگی کنند و گفت‌وگو و توافق و همزیستی کنند. برای اینکه مدارس ما فرزندانمان را شهروندانی آگاه و توانا و مسئول به بار بیاورند، لازم است که معلمانی تربیت کنیم که خود به این نیازها آگاهی داشته باشند و در سطح بعدی توانایی انتقال این مفاهیم و ارزش‌ها را به دانش‌آموزان داشته باشند. تعامل آزاد و خلاق میان معلم و دانش‌آموز در کلاس جریان پیدا کند و خانواده‌ها در ادراهی محتوایی مدرسه (و نه‌فقط تأمین منابع مالی) نقش مؤثر پیدا کنند و از ظرفیت‌های نهادهای مدنی و اجتماعات محلی و متفکران و منتقدان مستقل اجتماعی استفاده شود و معلم و مدرسه اختیارات کافی داشته باشند و ابتکار عمل با آن‌ها باشد.

امروزه با توجه به پیچیدگی عصر جهانی‌شدن، آموزش و پرورش ایران اگر بخواهد هدایت ملی و نظام ارزشی و مهارت‌های شهروندی کودکان و نوجوانان را تحکیم و اعتلا بخشد، باید معنایی تربیت کند که دانش‌آموزان را برای زندگی در عصر جهانی‌شدن در قرن بیست‌ویکم، آماده کند. چراکه جهانی‌شدن نه‌فقط بر اقتصاد و سیاست و مناسبات اجتماعی، بلکه به فرهنگ‌ها و نظام‌های آموزشی و هویت مردمان نیز تأثیر می‌گذارد. به همین دلیل، برنامه‌ریزی تمرینش و نوآوری در زمان ما نمی‌تواند بدون آموزش معلمانی که شناخت کافی و وظایف شهروندی و توانایی آموزش آن‌ها به کودکان را داشته باشد، به سرانجامی موفق دست یابد. فرآیند جهانی‌شدن خصوصیات ویژه‌ای را برای شهروند قرن ۲۱ می‌طلبد که معلمان باید به آن‌ها شناخت و تسلط کامل داشته باشند تا افرادی آشنا به حقوق شهروندی و مسئول نسبت به وظایف شهروندی خود تربیت کنند.

تعریف شهروند

هر فردی که به دنیا می‌آید به‌عنوان یک شهروند شناخته می‌شود و از تمامی حقوقی که در «اعلامیه حق رشد» و «عهده‌نامه کودک» مقررشده است بهره‌مند شود (لطف‌آبادی، ۱۳۸۵). هر فردی به انواع گوناگونی از جوامع، از خانواده و جامعه‌ی محلی گرفته تا جامعه بین‌المللی و انسانی، متعلق است و باید از تمام حقوق خود در این جوامع برخوردار باشد و نیز مسئولیت‌های شهروندی را بر عهده بگیرد (لطف‌آبادی، ۱۳۷۸).

شهروند کسی است که با همنوع خود زندگی می‌کند و از طریق دولت حمایت می‌شود، از حقوق اجتماعی برخوردار است و وظیفهٔ اجتماعی انجام می‌دهد، شهروندی راه‌های زندگی کردن شهروندان با یکدیگر است. شهروندی توانایی افراد را برای قضاوت در مورد زندگی خودشان را تصدیق می‌کند؛ بنابراین شهروندی افراد از پیش به‌وسیلهٔ نژاد، مذهب، طبقه، جنسیت یا هویشان تعیین نمی‌شود؛ بنابراین شهروندی در نحوه‌ی ارتباط فرد با فرد و با جامعه معنا و مفهوم حقیقی خود را درمی‌یابد. در این راستا به اعتقادات تی، اچ، مارشال: اولاً شهروندی وضعیتی است که ناشی از عضویت کامل فرد در اجتماع است. ثانیاً کسانی که حائز این وضعیت



کرد، لیکن شاه طاهر نپذیرفت و حتی پس از شاه اسماعیل، دعوت شاه طهماسب را نیز رد کرد. به‌هرحال، شاه طاهر به احمد نگرو دکن رفت و در آنجا ساکن شد و به شاه طاهر دکنی معروف گشت. کار او در دکن بالا گرفت و نخست برهان نظام شاه پادشاه دکن، و کالت خود را به او داد. پس از چندی، به‌اندازهای در پادشاه نفوذ پیدا کرد که وقتی فرزند پادشاه به مرض لاعلاجی مبتلا شد و همه از بهبودی او ابراز ناامیدی کردند، شاه طاهر تشیع خود را ظاهر کرد و از پادشاه خواست که جهت شفای فرزندش چیزی را نذر دوازده امام (علیه السلام) کند. پادشاه پذیرفت. معروف است که به‌طور معجزه‌آسایی، علی (علیه السلام) در خواب بر پادشاه ظاهر شد و فرزند او را شفا داد.

به‌این ترتیب، شاه طاهر پادشاه را به طریقه اثنی عشری دعوت کرد و درنتیجه پادشاه در سال ۹۲۸ هجری قمری به تشیع گرائید. شاه طاهر در فنون مختلف شعری تبحر داشته و قصیده را بسیار نیکو می‌سروده و قصائد بلندی در مدح ائمه اطهار (علیهم السلام) دارد.

از قرآن چنین بر می‌آید که شاه طاهر پس از سفر به هند، ارتباط خود را با محقق خفری قطع نکرده بود. چنان‌که در نامه‌ای که به محقق خفری نوشته و احتمالاً آن را در هند نگاشته، خطاب به استاد چنین گفته است: «حسن ارادت و اعتقاد و کمال مودت و اتحاد، نسبت به مقیمان آن آستان، که معتمد ارباب شوق و طلب، و ملهم اصحاب علم و ادب است، متصد به زیور خط‌وخال عبارات نیست، و محتاج به مرثیه غنچ و دلالا مشاهد و تشبیهات نی؛ که حقیقت شوق و محبت محاط نسبت علمیه نشود، و کیفیت خلّت و مودت کما هو حقّه، در حیز تحریر نیاید؛ چه احاطه نامتناهی امری است ممتنع التیسیر، و ادراک امور وجدانی کیفیتی است متعذر التبیین:

قلم را آن زبان نبود که راز عشق گوید باز و رای حد تقریر است

شرح آرزومندی
قَسَّاسُ اللَّهِ تَبَلُّ الْإِنْفِصَالِ، وَ أُؤَوِّدِيهِ مِنْ ذَيْلِ الْإِنْفِصَالِ، وَ اللَّهُ عَلَي صَدِقِ مَا سَأَلَ خَبِيرٌ، وَ بِإِيجَابِ مَا أَسْأَلَ مِنْهُ قَدِيرٌ. اگرچه از راه صورت، مسافت بعید حاجز کیمه مقصود گردید، و به این سبب، انواع تفرقه و اصناف الم به خاطر محزون رسید، اما همیشه مشام جان به روانج افادات علیّه که از حریم گلشن معنی می‌وزد… (معطر است).

سرانجام شاه طاهر در سال ۹۵۲ هجری قمری در احمد نگر وفات کرد و در همان‌جا به خاک سپرده شد. هجرت او نقطه عطف مهمی در تاریخ دانشگاه جهرم، [۲۷۰۰۰۱ ۲۷۰۰۰۱] ۱۷ تفکر هندوستان محسوب می‌شود. به برکت وجود او، تفکر شیعی در هند رواج یافت و از آن زمان شهر احمد نگر مرکز عمده طریقه شیعه در هندوستان شده و جمع کثیری از علمای شیعه از شهرهای ایران و هندوستان به آنجا رفتند و بازمه در پرتو وجود او، پدر «مکتب فلسفی شیراز» و حکمت شیعی در هند کاشته شد و از آن نهالی روئید که در زمان هجرت میرفتح الله شیرازی (متوفی ۹۷۷ هجری قمری) شاگرد جمال الدین محمود شیرازی قوت گرفت و با خون شهید قاضی نورالله شوشتری (مفتول ۱۰۱۹ هجری قمری) آبیاری شد و سرانجام درخت توانمندی گشت که سراسر شبه‌قاره هند و پاکستان را فراگرفت.

از آثار شاه طاهر، آنچه را در تراجم نگاشته‌اند و آنچه را در کتابخانه‌های ایران موجود است، می‌توان چنین یاد کرد:

- الوئیقه شرح للشافیه الصریفه
- حاشیه بر الهیات شفا
- حاشیه بر اشارات و محاکمات
- الحیدریه فی شرح الجعفریه الکرکیه که در سال ۹۵۰ هجری قمری تألیف کرده است.
- شرح تهذیب الاحول در فقه
- شرح الباب الحادی عشر در کلام
- حاشیه بر تفسیر بیضاوی
- رساله در معنی
- المودج العلوم
- رساله در احوال معاد که به فارسی نگاشته شده است.
- رساله در انشاء
- فتح‌نامه
- مجموعه اشعار

۱۴. مجموعه نامه‌ها و منشآت او که به نام انشاءات یا منشآت شاه طاهر معروف است. (کاکائی، ۱۳۷۵، صص ۷۹ – ۷۷) از دیگر شاگردان خفری از مولی فیض‌الله ملقب به حاجبی که اصلش از دارالسلام بغداد و از امیرزاده‌های کریم نهاد آنجاست، گزارش شده است که سلسله نسبت وی به آل برمک متصل است. در آخر متوجه عراق عجم گشت و به جهت تحصیل در شهر کاشان ساکن گردید. در آنجا به مدت دو سال نزد محقق خفری به تحصیل پرداخت، پس‌ازآن به شیراز رفت و به مدت دو سال نیز نزد مولانا عبدالصمد تحصیل نمود. شاه طهماسب او را قاضی عسگر لقب نهاد. (ساعتیان،۱۳۸۷، ص ۷۱)

ادامه دارد…

محقق خفری عالم معروف آن منطقه (فارس، شیراز، خفر) محسوب می‌گردید. (اشراق،۱۳۵۱، ص ۲۷۴) چنان‌که مؤلف حبیب السیر از او چنین یاد می‌کند: «در سلک اعاظم علما و انتیاء بلده فارس انظام دارد و…» همچنین مؤلف ریحانه الادب، خفری را افضل حکمای عهد شاه اسماعیل صفوی می‌داند. خفری در فلسفه، حکمت و کلام، ریاضیات، هیئت و نجوم تبحر داشت. (ولایتی،۱۳۹۰، صص ۱۱ و ۱۸) محقق خفری دارای گرایش‌های عرفانی است و در کنار حکمت عقلی و مشائی، جایی برای حکمت ذوقی و اشراقی در نظر می‌گیرد، به صورتی که قاضی نورالله شوشتری در مورد او می‌گوید: «جامع اقسام حکمت بختی و ذوقی بوده با روح افلاطون و ارسطو خطاب «إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَاتَعْلَمُونَ» سر داده است. (کاکائی،۱۳۷۵، ص ۷۳)

خفری توانست گامی به سوی حکمت متعالیه بردارد و در کنار فلسفه، نجوم و ریاضیات به تفسیر و حدیث هم روی آورد. (ولایتی، ۱۳۹۰، ص ۳۲)

وی فردی دقیق النظری بوده است. صدر المتألهین در جلد اول اسفار مطالبی از او نقل کرده و مورد بحث قرار داده است. خفری را می‌توان از طبقه نوزدهم – از طبقات فلاسفه اسلامی – هم به شمار آورد، یعنی او از جوانسالان طبقه نوزدهم و کهنسالان طبقه بیستم بوده است. (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۱۴، ص ۵۰۷)

ملاً شمس‌الدین محمد ابن احمد خفری، معروف به محقق خفری، از فیلسوفان نام‌آور دوره فلسفی شیراز در سده دهم هجری قمری است. خفری ابتدا به مدرسه جلالیه تعلق‌خاطر داشت اما سپس برای همیشه از مدرسه صدریه جانبداری کرد و به‌عنوان وارث هر دو مدرسه رقیب جلالیه و صدریه در غالب آثارش به دآوری بین رهبران این دو مدرسه در مسائل کلامی، فلسفی و منطقی می‌پردازد. (فرامرز قراملمکی، ۱۳۸۳، ص ۳۴)

دکتر ابراهیمی دینانی می‌نگارد: چگونگی می‌توان از حوزه فکری و فلسفی شیراز سخن گفت و به نام بزرگانی مانند صدرالدین دشتکی، شمس‌الدین فاضل خفری، فاضل باغیوی و غیاث‌الدین منصور دشتکی

اشاره نکرده؟(ابراهیمی دینانی، ۱۳۹۰، ص ۲)

همچنین گویند: محقق کَرّکی در هنگام سفرهای زیارتی خود به جهت اطمینان از دیانت و قهاقت و امانت وی، خفری را جاننشین خود می‌کرد و مردم را در غیاب خود برای امور دینی و حل مسائل در این باب به او ارجاع می‌داده است. از این امر نیز می‌توان دریافت که وی علاوه بر تبحر و اشتغال در امور فلسفی، در فقه و علوم دینی نیز واجد مرتبه و مقامی بوده است که فقیه زمان محقق کرّکی او را در غیاب خود در حلّ مسائل فقهی مردم جایگزین خود می‌کرده است. گویا اقامت وی در کاشان به همین دلیل بوده است. (خفری، ۱۳۸۲، ص ۱۲)

خفری ازجمله حکیمان و منجمانی است که بخش اعظم خود را در عهد صفوی سپری کرده است. عهدی که تشیع به‌عنوان مذهب رسمی حکومتی اعلام شد و همه علماء ملزم به پذیرش آن بودند. در این عهد، عالمان دینی و به‌ویژه فقیهان از احترام و ارج خاصی برخوردار بودند. ازاین‌روست که بسیاری از حکیمان آن عهد متأثر از اوضاع سیاسی – اجتماعی، سعی بر نوعی آمیختگی عقل و نقل در آثار فلسفی خویش داشتند. این آمیختگی میان عقل و نقل در آثار کلامی – فلسفی محقق خفری و نیز برخی آثار نجومی وی کاملاً مشهود است.

محقق خفری را نمی‌توان ازجمله حکیمانی دانست که صرفاً به شرح و تفسیر آثار دیگران پرداخته است، بلکه بخشی از آثارش در قالب شرح و تفسیر است. برخی از این شرح در زمان وی و نیز پس از حیاتش موردتوجه بسیاری از دانشمندان بزرگ اسلامی قرار گرفت و بر دانشگاه جهرم، [۲۷۰۰۰۱ ۲۷۰۰۰۱] ۱۷ آن شروح بسیار نگاشته شد؛ مانند تعلیقه خفری بر شرح تجرید قوشچی؛ و بخش دیگر آثار وی را تألیفات مستقل در علوم متعدد تشکیل می‌دهد. براساس پژوهش‌های اخیر بر روی آثار مستقل وی در حوزه‌های فلسفه، کلام، منطق و نجوم، او به‌عنوان فیلسوف و منجمی با خلاقیت و با نوآوری‌های فکری در عصر خویش معرفی شده است. صلیبا با بررسی آثار نجومی خفری از استعداد خاص وی در علوم ریاضی و نجومی خیر می‌دهد. ازاین‌رو سزاوار است که وی را با دو عنوان حکیم و منجم بخوانیم تا حکیم تنها.

شاگردان علامه خفری

عده زیادی از ریاضی‌دانان و حکما قرن دهم هجری از خرمن دانش و حکمت علامه خفری خوشه‌چینی کرده‌اند. (اشراق،۱۳۵۲، ص ۳۱۷) و در حوزه درس خفری شاگردان متعددی پرورش یافتند که مشهورترین آن‌ها شاه طاهر بن رضی‌الدین الکااشانی الانجدانی (متوفی ۹۵۲ هجری قمری) است که به شاه طاهر اسماعیلی حسینی دکنی نیز شهرت دارد. (ساعتیان،۱۳۸۷، ص ۷۱) وی حکمت و کلام را نزد خفری خوانده است. (اشراق،۱۳۵۲، ص ۳۱۷)

بزرگ‌ترین شاگرد محقق خفری شاه طاهر است. نسبتش به خلفای اسماعیلی و به روایتی به امام جعفر صادق (علیه السلام) می‌رسد. معروف است که او از خاندان «خواندیه» بوده که در زمان دعوت حسن صباح از مصر به ایران آمده و در عراق عجم سکنی گزیدند. شاه طاهر در کاشان می‌زیسته و در همان‌جا از محضر محقق خفری استفاده می‌کرده است. او گرایش فراوانی به عرفان و تصوف داشت. علاوه بر حکمت و هیئت، علوم غریبه ازجمله رمل را نیز از محقق خفری آموخت.

شاه اسماعیل صفوی در اوایل کار به او ارادتی پیدا کرد. درنتیجه، مریدان فراوانی برای شاه طاهر پیداشده و به کاشان ر می‌آوردند. همین امر سبب برانگیخته شدن حسادت میر جمال الدین صدر استرآبادی شد که در آن زمان در دربار شاه نفوذ بسیار داشته و دارای مقام صدرات بود. درنتیجه، شاه طاهر متهم به کفر و زندقه و بی‌دینی و اسماعیلی مذهب بودن شد. این نوع اتهامات در اوایل صفویه بسیار رایج بود. شاه اسماعیل درصدد آزار شاه طاهر برآمد و تصمیم به قتل او گرفت. اما شاه حسین اصفهانی وزیر شاه اسماعیل که به تصوف گرایش، و به شاه طاهر ارادت داشت، شاه طاهر را از این خطر آگاه کرد و او در سال ۹۲۶ هجری قمری همراه با خانواده خود، به حالت فرار از کاشان آهنگ هندوستان کرد. شاه اسماعیل سوارانی را در پی او فرستاد اما سواران به او نرسیدند و شاه طاهر موفق به فرار شد. هرچند شاه اسماعیل بعداً پشیمان شد و مجدداً از او دعوت به ایران